

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۴/۰۸

## تصویرپردازی عامه‌پسند چهره‌های مقدس در سینما

نوشته

سیده راضیه یاسینی\*  
عبدالله بیجرانلو\*\*

### چکیده

پرداختن به موضوع‌ها و شخصیت‌های دینی با نگاهی که هنرمندان معاصر غرب به این مقوله دارند، به نوعی ساختارشکنی منجر شده است که آثار و پیامدهای آن در سینما و تلویزیون دیده می‌شود. در بررسی شناخت منشأ آسیب‌های وارده در بازنمایی بزرگان دینی در رسانه‌های تصویری، ضمن مروری بر پیشینه هنر شمایل‌نگاری در غرب مسیحی و ایران به عنوان بنیان تصویرپردازی از شخصیت‌های دینی، تلاش شده است در سیر تطور تاریخ هنر به‌طور اعم و شمایل‌نگاری به‌مثابه یکی از جلوه‌های هنر دینی، به‌طور اخص، تغییرات و تحولاتی که به وضع کنونی بازنمایی چهره‌های قدسی در سینما و تلویزیون منجر شده است، ریشه‌یابی شود. نگارندگان در بررسی روند تغییرات هنری در خصوص تغییرات تصویرپردازی از بزرگان دینی به این نتیجه رسیده‌اند که به‌تدریج رویکرد تشبیهی و زمینی‌سازی این بزرگان، جایگزین رویکرد تنزیهی و تقدس‌گرایانه شده است.

کلیدواژه: بازنمایی، شخصیت‌های مقدس، سینما و تلویزیون.

### مقدمه

پیشینه تصویرپردازی از بزرگان دینی یا بازنمایی موضوع‌های دینی در سینما به سال ۱۹۲۶، بازمی‌گردد که نخستین بار موضوع نمایش چهره مبارک پیامبر(ص) در سینما مطرح شد. در این سال، مصری‌ها تصمیم گرفتند، در خصوص زندگی پیامبر(ص) فیلمی سینمایی بسازند. این تصمیم تا مرحله نوشتن فیلمنامه و انتخاب بازیگرها پیش رفت؛ و شخصی به نام "یوسف وهبی" به‌منزله بازیگر نقش پیامبر(ص) انتخاب شد. این امر، مخالفت‌های شدیدی به‌خصوص از سوی الازهر را در پی داشت.

\* استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات yasinin@ricac.ac.ir

\*\* استادیار ارتباطات دانشگاه تهران bikaranlou@ut.ac.ir

نخستین موضع‌گیری رسمی دینی در قبال تصویرپردازی از چهره پیامبر (ص)، ائمه، همسران پیامبر و صحابه، در سال ۱۹۲۶ از سوی مراجع دینی و با موضع‌گیری و اعلام فتاوی علمای الازهر صورت گرفت. بر این اساس، الازهر نمایش چهره پیامبر (ص)، ائمه (ع)، همسران پیامبر و صحابه را حرام اعلام کرد. این موضع‌گیری، آنقدر جدی بود که اعتراض بسیاری از مسئولان و سیاست‌مداران کشورهای اسلامی را در قبال این فیلم در پی داشت. همین مسئله باعث شد که موضوع ساخت این فیلم به کلی منتفی شود.

مخالفت جدی‌تر با موضوع نمایش چهره پیامبر (ص)، به فیلم محمد رسول‌الله، ساخته "مصطفی عقاد" مربوط می‌شود. او در سال ۱۹۷۸ اعلام کرد، قصد دارد فیلم محمد رسول‌الله را در هالیوود بسازد. در پی این اعلام، بسیاری از شخصیت‌ها و مراجع دینی، مخالفت خود را با این موضوع بیان کردند. این اعتراض‌ها، در نهایت منجر به اعلام فتوا از جانب علمای الازهر و نیز بسیاری از مراجع شیعه شد. از این رو، مصطفی عقاد در مورد شیوه تصویرپردازی پیامبر و صحابه در این فیلم، با مراجع دینی وارد مذاکره شد. در نتیجه این مذاکره، چهره مبارک پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) و صحابه نمایش داده نشد و فیلم‌ساز با استفاده از تکنیکی خاص، در صحنه‌هایی که پیامبر (ص) حضور داشتند، دوربین را در زاویه دید ایشان قرار داد. البته نمایش چهره حمزه (عموی پیامبر (ص))، پس از اکران فیلم نارضایتی‌هایی را در پی داشت. بازنمایی چهره‌های مقدس در تولیدات سینمایی و تلویزیونی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌طور جدی در دستور کار فیلم‌سازان ایرانی قرار داشته است. با توجه به اقبال روزافزون این هنرمندان به تولید آثاری با مضامین زندگانی پیامبران و اولیای الهی، نوع تصویرگری شخصیت‌های مقدس، در سینما و تلویزیون ایران، به گفتمانی جدی در محافل دینی و هنری منجر شده است. در سینمای ایران سینماگران با مسائلی مواجه بوده‌اند که ایشان را در تصویرپردازی از بزرگان دینی به اتخاذ روش‌هایی برای ارائه تصویری سینمایی از ایشان که از شائبه‌های تقدس‌زدایانه نیز به دور باشد، واداشته است. در این فضا، رویکرد برخی فیلم‌سازان به این موضوع چالش‌ساز شده و تنازع‌آرایی را در پی داشته است.

در سینمای ایران به‌طور کلی از نمایش چهره پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) احتراز شده است، اما پیامبرانی چون حضرت ابراهیم، حضرت ایوب، حضرت یوسف، حضرت مسیح، حضرت سلیمان و نیز شخصیت‌های مقدسی چون حضرت مریم و حضرت عبدالعظیم، در فیلم‌های سینمایی ایرانی بازنمایی شده‌اند. علاوه بر این، آثار سینمایی دیگری در خصوص امام حسین (ع) و حضرت موسی (ع) در مراحل مختلف تولید قرار دارند. مجید مجیدی نیز در پروژه عظیم سینمایی خود که به دوران کودکی حضرت پیامبر (ص) می‌پردازد، در چالش با این موضوع قرار دارد که در نمایش چهره پیامبر (ص) باید چه حدودی را رعایت کند.

در فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی "ایوب پیامبر"، فرج‌الله سلحشور ایفاگر نقش پیامبر خدا شد. در ساخت سریال "امام علی (ع)"، ساخته داوود میرباقری، نخستین بار بحث نمایش چهره

معصومین (ع) در کشور مطرح شد و در حد نمایش تنها قسمتی از اندام ایشان (دست یا پای مبارک حضرت علی (ع) اتفاق افتاد. حضرت سلیمان (ع) در فیلم "ملک سلیمان"، با بازی امین زندگانی تصویر شد. همچنین محمد صادقی، ایفاگر نقش حضرت ابراهیم در فیلم سینمایی "ابراهیم خلیل الله" شد، احمد سلیمانان، ایفاگر نقش حضرت مسیح در سریال "بشارت منجی" بود و در سریال تلویزیونی "یوسف پیامبر"، مصطفی زمانی نقش حضرت یوسف (ع) را بازی کرد.

این امر در حالی است که بر اساس نظر برخی از علمای مسلمان از جمله علمای الازهر، نمایش چهره تمام پیامبران، حرمت شرعی دارد و حتی حرمت پخش صدای پیامبران و معصومین هم مسئله‌ای است که علمای شیعی و سنی بر آن تأملاتی دارند. با همین رویکرد، در سریال‌های "امام علی (ع)" و "نتهای سردار" امام حسن (ع)، حتی کلام مستقیمی به معصومین (ع) اختصاص نیافت و کلام ایشان توسط سایر شخصیت‌ها نقل می‌شد.

در سریال "مختارنامه"، نیز موضوع نمایش چهره حضرت ابوالفضل (ع) در فضای رسانه‌ای و فقهی مطرح و با مخالفت شدید برخی از علما، منتفی شد. در نتیجه این مخالفت‌ها، به‌طور کلی قسمت‌های مربوط به نمایش چهره حضرت ابوالفضل (ع) که در واقع، نقطه اوج سریال بود، حذف شد.

امروزه مباحث مربوط به چگونگی نمایش شخصیت‌های مقدس در میان اهل نظر و فیلم‌سازان همچنان در جریان است. پیشینه این چالش‌ها و مباحثات به رویکرد ساختار شکنانه هنری در غرب معاصر و تصویرپردازی عامه‌پسند از شخصیت‌های دینی باز می‌گردد.

این مباحث چالش‌برانگیز به ویژه در عرصه رسانه‌های تصویری ریشه در این پرسش‌ها دارد که آیا هنرمندان مجاز هستند به بازنمایی ملموس و عینی از چهره شخصیت‌های مقدس در رسانه‌های تصویری بپردازند؟ و بازنمایی تقدس‌زدایی شده از این شخصیت‌ها چه آثار فکری و فرهنگی در میان باورمندان به این شخصیت‌ها خواهد داشت؟

### پیشینه تصویرپردازی از شخصیت‌های دینی (شمایل‌نگاری) در هنرهای تجسمی

تصویرپردازی از چهره‌های مقدس در قالب صورت‌های متنوع هنری از جمله نقاشی و پیکرتراشی پیشینه‌ای طولانی دارد.

نقاشی و پیکرتراشی را می‌توان از مهم‌ترین عرصه‌های هنری دانست که محملی برای بازنمایی چهره‌های مقدس بوده‌اند. بدیهی است که موضوع حرمت تصویرسازی یا پیکرتراشی در برخی از ادیان و آئین‌ها نیز عامل تعیین‌کننده‌ای در چگونگی نمایش این شخصیت‌های مقدس بوده است.

بنابر تعریف، شخصیت‌های مقدس، انسان‌های برتر و کمال‌یافته‌ای هستند که در آئین‌ها و ادیان گوناگون جهان، نمونه و الگوی کمال مطلوب معنوی بشر محسوب می‌شوند.

تاریخ بشری نشان می‌دهد که انسان در پی پابندی به آئین‌ها و کیش‌های گوناگون و پس از آن به ادیان مختلف، همواره از نوعی تمایل قلبی برای بازنمایی تصویری از اسطوره‌ها یا بزرگان دینی خود برخوردار بوده است. مصور نمودن یا تجسم بخشیدن به شخصیت‌های مقدس در منظر انسان، نه تنها به دلیل تکریمی که از ایشان به عمل می‌آورد، مهم است، بلکه این تصاویر از منظر مومنان، از نوعی قدرت ذاتی برخوردارند که می‌توانند سبب الهام شوند یا قدرت شفابخشی داشته باشند. از سوی دیگر، انس قلبی انسان با این شخصیت‌های مقدس و آرزوی دیدار و رویارویی با آن‌ها سبب می‌شود تا وی با بهره‌مندی از شیوه‌های مختلف هنری، به تصویر نمودن چهرهٔ ایشان بپردازد. این تصاویر که نمایاندهٔ شخصیت‌های مقدس و آسمانی، و بزرگان دینی هستند، به‌طور خاص، "شمایل" نامیده می‌شوند.

شمایل‌ها هرگز تصویر عینی این شخصیت‌ها را نشان نمی‌دهند، بلکه یک شمایل، تصویر چهره‌ای آرمانی و ملکوتی است که جمعی از فضایل بشری را در معرض دید قرار می‌دهد و واسطهٔ ارتباط قلبی مومنان با بزرگان دینی ایشان می‌شود.

شمایل (مسیحی) به‌طور ساده به معنای تمثال است، اما این واژه از یک دورهٔ آغازین، اختصاصاً برای اشاره به هنر نگارگری دینی کلیساهای شرقی و به‌طور اخص برای اشاره به قاب‌های منقوش یا معرّفی به کار رفته است که روی آن‌ها تمثال پرهیزگاران یا وقایع مقدس را معمولاً به سبک بیزانسی یا روسی به تصویر کشیده‌اند. در الهیات کلیسای ارتدوکس شرقی، واژهٔ شمایل، صرفاً به تمثال‌های پرهیزگاران یا وقایع مقدسی که برای کاربرد دینی مناسب و شایسته‌اند، اشاره دارد. این تمثال‌ها از لحاظ سبک‌شناسی، هیچ‌گونه معانی ضمنی با خود ندارند. بسیاری از کلیساهای ارتدوکس شمایل‌هایی دارند که به سبک غربی نقاشی شده‌اند. هر تصویری از شخص پارسا را نمی‌توان شمایل دانست؛ نقاشی طنزآمیز تصلیب حضرت عیسی (ع) شمایل نیست؛ هم‌چنین نگارگری عاشقانهٔ مرگ سباستین قدیس یا تصویر عاطفی مریم مجدلیهٔ گریبان شمایل به‌شمار نمی‌آیند. آنچه یک اثر هنری را به عنوان شمایل قابل استفاده می‌سازد، نه تنها صورت ظاهر تصویر اثر هنری بلکه چگونگی ارائهٔ محتوا و ارج و قرب موضوع اثر است. (هیلز، ۱۳۸۶: ۴۱۵)

تصویر نمودن شخصیت‌های مقدس در عالم مسیحی سابقهٔ دیرپایی دارد. از تاریخ صدر مسیحیت تا دورهٔ رنسانس، تصاویری که از شخصیت‌های مقدس مسیحی و به خصوص حضرت مسیح (ع) ترسیم می‌شد، از معنویت بسیاری برخوردار بود. این امر از آن جهت بود که جامعهٔ مسیحی تا این برهه از تاریخ، به مذهب و دین به‌مثابهٔ طریق نجات از این عالم و تعلقات آن می‌نگریست و بدان سخت پابند بود. شمایل‌های مسیحی تا این زمان، با نگاهی به وجوه معنوی شخصیت‌های مقدس ترسیم می‌شدند.



مریم ولادیمیر، سده ۱۱ م.  
ابعاد اصلی قاب تزئینی تقریباً ۷۰×۵۰ سانتی متر، موزه دولتی تاریخ، مسکو

سیر تاریخی تفکر بشری نشان می‌دهد که از دوره نوزایی (رنسانس) در عالم غرب که مقارن با سده پانزده میلادی است تا دوران معاصر، نگرش بشر به عالم ملک و ملکوت و ساحت خود در این میان، دستخوش تطوری مدام است.

در عالم غرب با ظهور رنسانس، تمایلات جدید بشری به نحوی پاسخ داده شد که تمایل به عقل‌گرایی وی را ارضا می‌کرد. تا این زمان، بشر خود را موجودی فرافتاده بر زمین می‌دانست که در تلاشی مدام برای رجعت به جایگاه نخستین خود در عالم ملکوت بود. در این دوره تاریخی، نگاه انسان از آسمان برگرفته و به زمین معطوف شد. او بر آن بود تا با تکیه بر توانایی‌های بشری و مستقل از عوالم معنوی، گمشده خویش را در زمین بازجوید. تمایل برای کشف عالم واقع و غلبه و استیلا بر آن، سبب ظهور نوعی عقل‌گرایی شد که حاکمیت انسان بر عالم را به عنوان فرمانروای بلامنازع، تضمین می‌کرد. این تغییر نگرش انسان به خود و عالمی که در آن می‌زید، سبب شد تا رویکرد انسان به دین و باورهای دینی دچار دگرگونی شود و به این ترتیب، سیر هنرهای دینی یا دارای مضامین دینی نیز تغییر کرد و مآثر هنری متفاوتی به وجود آید.

### رویکرد تشبیهی و تنزیهی در بازنمایی چهره‌های مقدس

تصویرپردازی از چهره‌های مقدس در قالب شمایل‌نگاری از آغاز تاکنون دستخوش تطورات گوناگونی شده است که با تأمل بر آن می‌توان روند خاصی را ملاحظه کرد. این سیر تاریخی نشان می‌دهد که همپای تغییر نگرش‌ها و رویکردهای قلبی و عقلی بشر به باورهای آسمانی خود، جایگاه شخصیت‌های مقدس نیز در منظر او تغییر کرده و به تبع آن، بازنمایی چهره‌های مقدس نیز دستخوش تغییر شده است. چگونگی نمایش چهره‌های مقدس، نشان‌گر

نوع و میزان ارتباط انسان با باورهای دینی اوست چرا که مآثر فرهنگی به بارزترین صورت ممکن، وضعیت موجود جوامع بشری را در تعامل با باورهای معنوی و دینی منعکس می‌کنند. دو رویکرد عمده به بازنمایی چهره‌های مقدس در قالب آثار هنری وجود دارد. چهره‌های مقدس در دو صورت تشبیهی و تنزیهی به نمایش درآمده‌اند؛ این دو رویکرد به‌خصوص در شمایل‌نگاری مسیحی، مصادیق بارزی دارند.

۱. رویکرد تنزیهی. تنزیه در لغت به معنای "مبرا دانستن و دور شمردن است"، "برجستن" از پیرایه، مزه و پاک دانستن هر امری است. چنانچه وجهه تنزیهی در یک اثر هنری وجود داشته باشد، نمی‌توان مشابه این جهانی صورت آن را پیدا کرد. در آثار هنری، به‌طور معمول، صفت تنزیه برای آثاری به کار می‌رود که بیش از صور این جهانی و مادی موجودات به صورت‌های مینوی آن‌ها می‌پردازند.

گر که تنزیهت کنم آن فهم نیست گر که تشبیهت کنم از کافریت  
به عبارت دیگر، مبرا ساختن هر امری از ممیزات عینی عالم واقع، تنزیه نامیده می‌شود. آثار هنری تنزیهی، در قالب شکل‌ها و صورت‌هایی نمایان می‌شوند که نمی‌توان برای آن‌ها ما به ازای بیرونی یافت.

۲. رویکرد تشبیهی. به‌طور کلی یکی از شیوه‌های تعریف یک پدیده، تعریف آن از طریق تشبیه به یک پدیده دیگر است که برای مخاطب آشنا باشد. تشبیه، ادعای همانندی میان دو یا چند چیز است و منظور آن، توصیف، اغراق، مادی کردن حالات و... برای یک پدیده است. "مشابهت، تمثیل، یکسانی و ماندگی"<sup>۱</sup> و شبیه چیزی را نشان دادن، تشبیه نامیده می‌شود. مکن تشبیه او را در صفاتش<sup>۲</sup> که از تشبیه پاکیزه است ذاتش<sup>۲</sup>

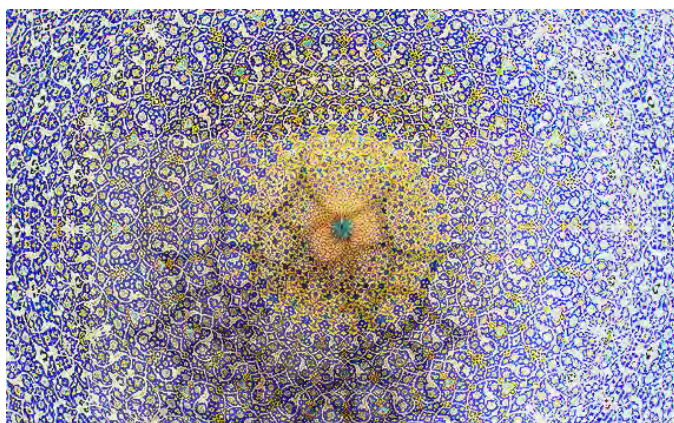
در رویکرد تشبیهی، یک پدیده بر اثر مشابهت ایجاد شده میان آن با پدیده‌ای دیگر، قابل درک و فهم می‌شود. اما لازم است میان پدیده‌ای که مورد بحث و گفت‌وگو است با پدیده دیگری که به آن تشبیه می‌شود، جهت اشتراکی وجود داشته باشد. تشبیه می‌تواند در صورت یک موضوع یا در معنی و صفت آن باشد.

در میان آثار هنری، آثاری را تشبیهی می‌نامند که در آن‌ها، موضوع اثر به واقعیتی قابل مشاهده و قابل لمس نزدیک شده باشد. اثر هنری تشبیهی، اثری است که بتوان مترادف آن را در صورت‌های این جهانی پیدا کرد.

رویکرد تنزیهی و تشبیهی به حقایق عالم و نیز خداوند در منظر اندیشمندان همواره محل بحث بوده است. مولانا در چند بخش از مثنوی به بحث تشبیه و تنزیه پرداخته و در قالب شعر، نظر خود را درباره این موضوع بیان کرده است. در داستان موسی و شبان، مولوی از تشبیه و تنزیه، تصویری را ارائه می‌کند. قهرمانان اصلی این داستان، دو شخصیت متفاوت‌اند؛ یکی نماینده عقل‌گرایی محض و معتقد به تنزیه حق تعالی از هر گونه تشابه به مخلوقات و دیگری نماینده قوه خیال و حاکمیت آن بر عقل بوده، لذا قائل به تشبیه حق با سایر موجودات است.

مولوی در این داستان به خوبی نشان می‌دهد که جایگاه تنزیه، جدا از موضع تشبیه است، او مقام ذات حق تعالی را منزّه و مبرا از هر گونه تشبیه و تنزیه می‌داند زیرا ذات حق، بی‌نهایت و مجرد محض است و با هیچ یک از قوای عقلی یا حسی شناسایی نمی‌شود.

به تبع نگرش‌های دوگانه تنزیه‌ی و تشبیه‌ی در خصوص ذات خداوند، مفاهیم مقدس و شخصیت‌های الهی نیز از این دو منظر تصویر شده‌اند. برای مثال، نقش اسلیمی از نقوش تنزیه‌ی در هنر اسلامی است که اشاره به مفاهیمی حکمی در عالم اسلام دارد. تاریخ هنر مسیحی نیز نشان می‌دهد که نقوشی از طبیعت به مثابه نماد عمل کرده‌اند تا از گرایش‌های تشبیه‌ی در مضامین مقدس، تا حد دوری شود. برای مثال، نقوش ماهی، لنگر و طاووس در هنر صدر مسیحیت، همچون نمادی از وجود حضرت مسیح (ع)، به کار گرفته می‌شد که از رویکرد تنزیه‌ی برخوردار است.



تصویری از نقش اسلیمی در کاشی‌کاری زیر گنبد، مسجد امام در اصفهان، صفویه



دو ماهی و لنگر، حجاری، گور دخمه‌ای دومیتیا، رم، صدر مسیحیت



## سیر از تنزیه به تشبیه در شمایل‌نگاری

رویکرد تشبیهی در نحوه تصویرپردازی از بزرگان دینی که از اساسی‌ترین جلوه‌های هنر دینی در عالم غرب مسیحی محسوب می‌شد، اگرچه در ادوار پس از صدر مسیحیت آغاز شده بود، اما در دوره رنسانس و پس از آن به شدت اوج گرفت و شخصیت‌های مقدس، در قالب چهره‌های زمینی، ملموس و بسیار دست‌یافتنی‌تر از پیش تصویر شدند.

با حاکمیت اومانیزم بر تفکر بشری در دوره رنسانس، تفکر و نگاه حاکم بر موضوع تصویرپردازی از شخصیت‌های مقدس، با تغییر نگاه بشر از آسمان به سوی زمین، دگرگون شد. در این نگرش جدید، انسان‌های مقدس نیز به موجوداتی زمینی با خصایص معمولی و خاکی تبدیل شدند و از این رو، تصویرپردازی از آن‌ها به هر شیوه و صورتی مجاز شد.



زندگی مسیح، امیل نولده

بخشی از اثر، ۱۹۱۱-۱۹۱۲ م؛ رنگ و روغن روی بوم ۹ لته، قاب میانی ۵/۱۹۰ × ۲۱۹ سانتی متر، قاب‌های راست و چپ ۸۶ × ۱۰۰ سانتی متر، زیول بنیاد نولده

آرناسون در کتاب خود با عنوان *تاریخ هنر مدرن*، مباحثی از تصویرپردازی از شخصیت‌های مقدس مسیحی را مطرح می‌کند که در حیطه زمانی سده بیستم قرار می‌گیرد. آرناسون در این کتاب ضمن بررسی مکاتب و شیوه‌های هنری قرن بیستم، به تحلیل برخی آثار با مضمون شمایل‌های مسیحی پرداخته و رابطه چگونگی آن‌ها را با طرز تلقی هنرمند از مذهب بیان داشته است.





تصلیب، پابلو پیکاسو، رنگ روغن روی چوب، ۱۹۳۰ م

در سوی دیگر، در عالم اسلامی، اساساً هنر دینی از وجهی تنزیهی برخوردار است که به تبع ممنوعیت تصویرسازی از موجودات زنده به وجود آمده بود. قابل ذکر است که در این باره، هیچ حکم صریحی در قرآن کریم وجود ندارد و موضوع حرمت تصویرسازی، منبعث از برخی روایات و احادیث وارده در این خصوص است.

هنر اسلامی بر خلاف هنر مسیحی — که کالبد حضرت مسیح (ع) را محمل تجلی ذات احدیت بر روی زمین می‌داند — بر مبنای اعتقاد به اصل توحید و مبرا بودن ذات خداوندی از هر نوع تشبیه، از تصویر نمودن خداوند پرهیز می‌کند و در تصویرسازی از پیامبران و اولیای الهی نیز جانب احتیاط را با لحاظ کردن اصل تبری از شائبه‌های دنیوی، نگه می‌دارد. برای نمونه در هنر نگارگری اسلامی ایران بیشترین نمونه‌ها از تصاویر پیامبران و اولیای الهی را می‌توان شاهد بود که این تصویرپردازی‌ها، با توجه به مبانی حکمی و معرفتی این هنر اصیل، در ظاهر و باطن، حافظ تقدس شأن ایشان بوده است.



پیامبر (ص) در میان یارانش، جزئی از اثر (امام علی (ع)، بهارستان جامی، بخارا، ۱۵۲۵ م

دیر زمانی است که تصویرسازی از شخصیت‌های مقدس مسیحی، همچون نقش‌اندازی از هر موجود طبیعی دیگر شده است. بر این مبنای دیگر ضرورتی وجود ندارد تا معنویت فرازمینی و فوق بشری در سیمای شخصیت‌های مقدس جلوه‌گر شود. هنرمند روایت‌های شخصی خود را از ایشان بازگو می‌کند و در آثار هنری چون نقاشی، مجسمه‌سازی و اخیراً در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی، هر آنچه اراده می‌کند را مصور می‌کند. در تمام این آثار هنری و رسانه‌ای به‌خصوص در دوران معاصر، رویکرد تقدس‌زدایی و زمینی‌سازی هنرمندان به موضوع دین و شخصیت‌های مقدس قابل مشاهده و بازشناسی است.

### تصویر شخصیت‌های مقدس در سینما

همچون سایر هنرها، سینما نیز متأثر از نوع تفکر حاکم بر دوره تاریخی معاصر، نگرش خاص خود را به موضوع تصویرسازی از بزرگان دینی داشته است.

پرداختن به این مضمون در سینما، چه به لحاظ پردازش موضوع و چه به لحاظ چگونگی تصویرپردازی از وجود این جهانی ایشان (چهره و اندام)، به دلیل ارتباطی که با باورهای عمومی مومنان و جایگاه متعالی شخصیت‌های مقدس در نظر ایشان دارد، بسیار حساس است؛ زیرا جایگاه شخصیت‌های مقدس در منظر جوامع مذهبی، غیر قابل انکار است.

نحوه روایت‌گری از زندگانی و سیره بزرگان دینی، می‌تواند به عنوان عاملی برای تقویت یا تضعیف باورهای دینی به‌کار رود. با توجه به تأثیرگذار بودن شیوه‌های تولید آثار هنری به‌خصوص تولیدات سینمایی و تلویزیونی، برای انتقال پیام به مخاطب، ضروری است درباره چگونگی این بازنمایی‌ها تعمق و تدبر شود.

سینما از بدو پیدایش تاکنون، به‌مثابه هنری تأثیرگذار و فراگیر، همواره مضامین دینی را دست‌مایه تولیدات خود قرار داده که به تبع آن، به تصویر نمودن چهره‌های مقدس نیز پرداخته است. چگونگی به تصویر درآمدن چهره‌های مقدس در سینما، روشن‌گر مواضع مجامع هنری در قبال موضوعات دینی است که تأثیر آن در جهت بخشی فرهنگ عمومی هر جامعه انکارناپذیر است.

بررسی فیلم‌هایی که این بازنمایی در آن‌ها رخ داده است، تصویر روشنی از چگونگی عملکرد سینما در این باره ارائه می‌کند. اشراف به این موضوع سبب می‌شود تا عملکرد سینما و نقش مهم آن در این باره مورد توجه قرار گیرد و آسیب‌های احتمالی تولیدات آن، بر فرهنگ دینی جامعه شناسایی شود.

### بازنمایی شخصیت‌های مقدس در هالیوود

پیشینه نمایش چهره‌های مقدس و به‌طور خاص حضرت عیسی (ع) در سینمای هالیوود، به تولید فیلمی با عنوان "مصیبت" (La Passion) در سال ۱۸۹۷ باز می‌گردد. این فیلم برای نخستین بار به نمایش شخصیت حضرت مسیح (ع) در قالبی نمایشنامه‌وار می‌پرداخت.

پس از این فیلم، "مصیبت مسیح" (Vie et Passion du Crist) را می‌توان اولین فیلم بلند سینمایی در این موضوع دانست که به سال ۱۹۰۳ و توسط دو کارگردان فرانسوی به تصویر درآمد. پس از آن فیلم‌های "شاه شاهان" (King of Kings)، ۱۹۶۱ و "عظیم‌ترین داستان روایت شده"، ۱۹۶۵ (The Greatest Story Ever Told)، "عیسی مسیح سوپر استار"، ۱۹۷۳ (Jesus Christ Super Star)، فیلمی موزیکال است که مشحون از آواز و موسیقی است گویی مسیح بر صحنه اجرای موسیقی راک ظاهر شده است.

هر یک از این فیلم‌ها به گونه‌ای شخصیت و زندگی حضرت عیسی (ع) و حواریون ایشان را بازنمایی کردند. در این فیلم که به کارگردانی "نورمن جویسون" ساخته شده بود، با سبکی جدید و کنایی به زندگی مسیح نگریسته شد به نحوی که وی را یک آوازه‌خوان معرفی می‌کرد. به تدریج در تداوم جریان فیلم‌سازی با مضمون زندگی حضرت مسیح (ع)، فیلم‌هایی با رویکردهای جدید فکری ساخته می‌شد از جمله فیلم "آواز خدا"، حضرت مسیح را، در جهت بهره‌برداری اجتماعی برای تقویت جایگاه هیپی‌ها، در هیئت یک هیپی با شلواری راه‌راه نشان می‌داد. همچنین در این برهه، فیلم "زندگی برایان" با نگاهی کمیک به زندگی حضرت مسیح، از داستان حیات این پیامبر آسمانی در جهت اهداف اجتماعی خود بهره‌برداری کرد.

"آخرین و سوسه مسیح"، ۱۹۸۸، به کارگردانی "مارتین اسکورسیزی"، نگاهی نو و انسان‌گرایانه (اومانستی) به موضوع رسالت حضرت مسیح دارد. این رویکرد به حدی است که تردیدها و تأملات بشری برای حضرت مسیح در فیلم تعریف می‌شود و وی دائماً در کشاکشی درونی درباره رسالت خود دیده می‌شود. در حقیقت، در این فیلم، وجه بشری و زمینی حضرت عیسی (ع) بسیار پررنگ است و شاید بتوان این فیلم را که «نسخه‌ای تخیلی از داستان زندگی این پیامبر خدا و بر اساس رمانی با همین نام اثر کازانتزاکیس (۱۹۵۵) است (Marsh, 97)، اومانستی‌ترین فیلم ساخته شده درباره مسیح (ع) دانست، چرا که کارگردان تلاش داشته است حضرت عیسی را در جایگاه پیامبری‌اش، انسانی بسیار عادی به نمایش بگذارد که از همه ویژگی‌های بشری همچون تشویش‌ها و تلاطم‌های درونی در رسالتش برخوردار است.

در فیلم "مصائب مسیح" که آخرین فیلم برجسته ساخته شده درباره حضرت مسیح (ع) به‌شمار می‌رود، دوازده ساعت پایانی حیات زمینی حضرت مسیح به تصویر کشیده شده است. (Ibid: 50) در این فیلم نیز تصویری بسیار زمینی از شکنجه‌ها و رنج‌های حضرت مسیح در این دوازده ساعت که با توطئه یهودیان به بالای دار فرستاده می‌شود، به نمایش گذاشته شده است.

ردیف	عنوان فیلم	کارگردان	سال انتشار	تصویر زمینی ارائه شده از حضرت مسیح
۱	انجیل به روایت متی 	پیر پائولو پازولینی	۱۹۶۴	ارائه تصویری متناسب با ایدئولوژی مارکسیستی کارگردان که در آن مسیح همچون مبارزان عدالت طلب مارکسیست به تصویر درآمده است.
۲	مسیح سوپرستار 	نورمن جویسون	۱۹۷۳	با پرداختن امرزین از زندگی مسیح، او در نقش یک رقصنده و نوازنده موسیقی ظاهر می شود.
۳	آوای خدا 	دیوید گرین	۱۹۷۳	بازتولید مدرن و موسیقایی از انجیل متی و مشحون از رقص و موسیقی، ارائه تصویری موزیکال از مسیح.
۴	مسیح ناصربه 	فرانکو زفیرلی	۱۹۷۷	تصویری تاریخی و با جزئیات فراوان از زندگی مسیح (ع) به عنوان فردی که در دورانی تاریخی در فضایی یهودی می زیسته است. تلاش شده است جزئیات تاریخی بسیار زیادی با رویکردی رئالیستی در فیلم به کار گرفته شود تا تصویری کاملاً زمینی از انسانی به نام عیسی ارائه شود.
۵	زندگی برابان 	تری جونز	۱۹۷۹	ارائه تصویری هجوآمیز از زندگی مسیح با قرار دادن فردی به نام برابان که با مسیح اشتباه گرفته می شود.
۶	آخرین وسوسه مسیح 	مارتین اسکورسیزی	۱۹۸۸	ارائه تصویری زمینی با نگاهی روان کاوانه از مسیحی که همانند هر انسان معمولی با همه گونه وسوسه درگیر است. نوشیدن، رقص و پایکوبی، عاشق شدن، ترسیدن و ... از ویژگی های تصویر ارائه شده در این فیلم است.
۷	مسیح مونترال 	دنیس آرکاند	۱۹۸۹	ارائه تصویری مدرن از مسیح در کانادا به منظور پاسخ به دو سؤال که اگر مسیح امروز به دنیا می آمد چه تعاملی با او صورت می گرفت؟ و اگر انسان ها تحت تأثیر شیطان قرار می گیرند و شیطان صفت می شوند، آیا می توانند مسیحایی نیز بشوند؟ (Walsh, 2003)
۸	مصایب مسیح 	مل گیپسون	۲۰۰۴	مسیح زجرکش؛ ارائه تصویری بسیار دردناک از ساعات پایانی زندگی مسیح، شکنجه شدن و به صلیب کشیده شدن او (Reinhartz, 2007)

## نتیجه گیری

سینما به عنوان یکی از فراگیرترین هنر- رسانه‌ها، سهم مؤثری در شکل‌گیری فرهنگ جوامع بشری دارد. از جمله این تأثیرات آن است که نگرش و بینش مخاطبان در خصوص پدیده‌های گوناگون از جمله مضامین دینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در بررسی تولیدات سینمایی غرب، نشانه‌هایی وجود دارد که نشان‌گر گرایش به بازنمایی ملموس، زمینی و نه چندان ملکوتی این شخصیت‌ها است که در برخی موارد این بازنمایی به هجو نیز کشیده شده است. در روند دیگری، سینمای ایران در بازنمایی چهره‌های مقدس، دائماً در حال تغییر و تحول است به نحوی که نشانه‌های ارائه تصویری ملموس‌تر از ایشان را می‌توان در میزان محدودیت یا عدم محدودیت‌های تصویری اعمال شده (همچون نمایش پیکره یا نمایش بخشی از آن) ردیابی کرد.

با مروری گذرا بر صد سال سینمای جهان و سه دهه اخیر سینما و تلویزیون ایران، چگونگی تصویرپردازی از شخصیت‌های مقدس نمایان‌گر آن است که رویکرد هنرمندان در تصویرپردازی از این شخصیت‌های مقدس روندی رو به تنزل داشته و نگاه هنرمندان از منظر تنزیه به منظر تشبیه تغییر کرده است؛ به نحوی که چهره‌های مقدس به تصویر درآمده، به چهره‌های ملموس زمینی گرایش یافته است. در سینمای هالیوود به تدریج شاهد تصویری بسیار زمینی و انسانی‌شده از حضرت مسیح در فیلم‌های سینمایی بوده‌ایم و در سینما و تلویزیون ایران، روند تشبیهی به حدی شتاب یافته است که بازیگرانی تازه‌کار و فاقد وجه معنوی آسمانی، در نقش پیامبرانی بزرگوار یا شخصیت‌هایی آسمانی نقش‌آفرینی کرده‌اند. تداوم این روند و تمرکز بر بازنمایی شخصیت‌های الهی در سینما و تلویزیون با روند تشبیهی در بلندمدت، آفات و آسیب‌های گسترده‌ای خواهد داشت و این بزرگان را در سطح نقش‌هایی سینمایی و تلویزیونی تنزل خواهد داد به گونه‌ای که مخاطبان باورمند به این بزرگان، در یادآوری این شخصیت‌های الهی ناچار به یادآوری بازیگران نقش‌های آن‌ها در فیلم‌های سینمایی یا سریال‌های تلویزیونی خواهند بود. برای جلوگیری از چنین آسیب‌هایی، باید در جهت احتراز فیلم‌سازان از تشبیه‌گرایی در تصویرپردازی از این شخصیت‌ها و در مقابل، ترغیب آن‌ها به تمرکز بر رویکردی تنزیه‌گرایانه تلاش شود.

## پی‌نوشت‌ها

۱. نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء)، فرهنگ نفیسی، تهران، خیام.
۲. گرگانی، فخرالدین اسعد ویس و رامین، مجتبی مینوی، کتاب‌فروشی بروخیم و پسران، تهران، ۱۳۳۸.

## منابع

- آرناسون، ه.ه (۱۳۸۵)، تاریخ هنر مدرن. ترجمه مصطفی اسلامی، آگاه، چاپ سوم.
- آندراج (۱۳۳۶)، فرهنگ آندراج، محمد دبیر سیاقی، کتابخانه خیام، تهران.
- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا.
- سامانی، عمان (۱۳۶۹)، گنجینه الاسرار، قم، کتاب‌فروشی محمودی.
- شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۴)، هنر شیعی، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- گامبریچ، ارنست (۱۳۸۵)، تاریخ هنر، ترجمه علی رامین، نی، چاپ چهارم.
- گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۳۸)، ویس و رامین، مجتبی مینوی، کتاب‌فروشی بروخیم و پسران، تهران.
- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء)، فرهنگ نفیسی، تهران، خیام.
- هیلز، جان آر (۱۳۸۶)، فرهنگ ادیان جهان، گروه مترجمان، ویراستار ع پاشایی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

artchive.com  
absolutearts.com  
jesuswalk.com  
iconsexplained.com  
imdb.com khabaronline.ir  
Marsh, Clive (2007) *Theology Goes to Movies*, Routledge.  
Reinhartz, Adele (2007), *Jesus of Hollywood*, Oxford University Press.  
Walsh, Richard, *Reading the Gospels in the dark: Portrayals of Jesus in film*, Trini.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی